



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۷/۱۳

بصیر دهمزاد

جنایات علیه بشریت در افغانستان ، در چنبره موانع تحقیق و بررسی و تطبیق عدالت حقوقی

افغانستان در بیش از چهل سال اخیر به سرزمین وحشت، خون، آتش و جنگ و ارتکاب جنایات شدید ضد بشریت ، جنایات جنگی و جنایات ضد حقوق بشری و تحریک و تشویق تبعیض و مخاصمت های قومی ، زبانی و مذهبی مبدل گردیده است که در دوره های تا امروز این جنایات تداوم یافته است و از مردم مظلوم ما قربانی گرفته است. ولی در بیست سال اخیر، این جنایات با موجودیت قوای ناتو و قوی شدن تروریسم طالبی، داعشی و حمایت سازمانهای استخباراتی دولت پاکستان شدت بی پیشینه بخود گرفته است.

در این مقاله نویسنده یک سیر و بررسی تاریخی و حقوقی موضوع را در دوره های مختلف به بحث و تلاش صورت خواهد گرفت تا با تداعی حافظه مثال های از ارتکاب شدید ترین جرایم علیه بشریت را از دوره های مختلف در جهان و افغانستان در این خاکه ارائه نمایم.

انگیزه این مقاله در سه نکته نهفته است:

تحرك جدید و وعده محكمه عدالت بین المللی (آی سی سی) که مقر آن در شهر لاهه کشور شاهی هالند قرار دارد ، میباشد که آخرین اولین قدم را برای آغاز یک پروسه عدلی و قضائی بین المللی پیرامون جرایم جنگی ، جنایات علیه بشریت و جرایم مبنی بر نقض صریح حقوق بشر بگذارد و آغاز به تحقیق و جمعآوری اسناد الزام برای این پروسه نماید. این یک قدم قابل دقت و پیشنیانی است ، ولی باید با کنجکاوای قضیه را تعقیب نمود و تحت نظر داشت که تا چه حد میتواند این پروسه عدالتمدانه و غیر جانبدارانه باشد.

مهمترین مسأله در این پروسه مکلفیت حقوقی دولت های است که کنوانسیون سال ۱۹۴۸ محكمه عدالت بین المللی را پذیرفته باشند. اکنون قابل تذکر است که دولت افغانستان در سال ۲۰۰۳ م. این کنوانسیون را امضاً بدان ملحق گردیده است.

علاوئاً جرایم شدید جنگی و وحشیانه ترین شکل آن در سالهای اخیر در شهر کابل و شهر ها و مناطق مختلفه ولایات افغانستان از جانب طالبان، داعش و از جانب حلقات مخفی که از جانب این سازمانهای جهنمی در درون دستگاه دولت نفوذ نموده اند، واقع گردیده اند. واقعات دلخراش پی در پی در غرب کابل و حادثه جگر خراش پل علم لوگر و دههای دیگر اند که همه قلب های صاحب وجدان انسانی را پر خون ، در درد غم ساخته است.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا پیرامون این موضوع سندی مهمی را به نشر سپرده است و به اورگانهای بین المللی مربوطه ارسال نموده است.

در این مقاله کوشش میگردد تا روی موضوعات زیر تعمق و تمرکز صورت گیرد:

- ۱ - توضیحی بر مفهوم جرایم علیه بشریت در بعد تاریخی و حقوق بین المللی.
- ۲ - تعمقی بر جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و جرایم نقض حقوق بشری در افغانستان بین سالهای ۱۹۷۸ م. الی ۲۰۰۱ م.
- ۳ - جرایم جنگی در افغانستان از ۲۰۰ تا امروز، از تروریسم طالبانی تا نقش بیگانگان در ارتکاب و سازماندهی و همکاری این جرایم.

۴ - اهمیت تحرکات اولی محکمه عدالت بین المللی پیرامون جنایات شدید جنگی و ضد انسان و انسانیت
۵ - نقش و مکلفیت دولت و اورگانهای حراثت حقوق افغانستان در همکاری با محکمه عدالت بین المللی.

۱ - توضیحی بر مفهوم جرایم علیه بشریت در بعد تاریخی و حقوق بین المللی.

جرایم جنگی ، جرایم ضد انسان و انسانیت و ضد حقوق بشری بی التیام ترین زخم های خونین را در قلب های آسیب دیده گان هموطن ما ایجاد نموده است که التیام و یا تسکین به این درد ها فقط و فقط در یک بررسی عدالتمندانه و فارغ از هرگونه فشار و نفوذ زورداران و عاملین اصلی این جرایم در سطح داخلی و کشور های که مستقیم و یا غیر مستقیم در این جرایم دست دارند و دست داشته اند، ممکن است.

اگر یک تعریف و یا بیان از مفهوم جرایم شدید علیه بشریت، جرایم جنگی و جرایم ضد بشری ارائه نمایم، محتوای تعریف در یک عمل ضد انسان و انسانیت است که وجدان سالم بشری از آن شوکه میگردد. یعنی که این عمل علیه بشریت در وجدان انسانی نمیگنجد. عامل و مرتکب این جرایم را باید فاقد وجدان انسانی تعریف نمود.

جرایم علیه بشریت عبارت از ارتکاب شدید ترین جرایم اند که هدفمند، از قبل تنظیم شده، بر بنیاد عمل قصد و عمد در برابر انسان (چه فردی و چه کتلی) میباشد که در کنوانسیون های بین المللی تعریف و پیشبینی گردیده اند، میباشد. بدین معنی که مرتکب این جرم از نتایج وخیم و قربانی شدن انسان (ها) با شدیدترین شیوه انسان کشی ، ایجاد شرایط از بین بردن تدریجی انسان و یا ایجاد فشار های شدید روانی و جسمانی در برابر یک کتله از مردم ، در آگاهی قبلی میباشد. این جرایم نظر به اینکه در کنوانسیون های بین المللی پیشبینی شده اند، میتواند تحت صلاحیت حقوقی بین المللی مورد تحقیق ، بررسی و در یک پروسه عدالتمندانه حقوق جزائی قرار گیرد. در جرایم شدید جنگی علیه انسان ، علیه مردمان ملکی و یا در برابر اسیران جنگی برخورد و عمل خلاف وجدان انسانی صورت میگیرد و یا بمباردمان های که قربانی های هدفمند را به وجود آورد.

جرایم نقض حقوق بشر موضوع تبعیض نژادی، زبانی قومی انتیکی ، مذهبی و عقیده تی سیاسی و سلب آزادی بیان عقیده و احساس انسانی، تهدید و تخویف، زندانی شدن بدون پروسه عدلی وپ قضائی و دهها مسائی دیگری که در کنوانسیون ۱۹۴۸ ملل متحد تسجیل یافته اند، را در بر میگیرد که انسان با عمل هدفمند و پلاشده از حقوق انسانی محروم میگردند. مثلن تبعیض در برابر گروه های انتیکی به هدف حاکمیت کلی یک گروه انتیکی دیگر، طرح پلان های زیرکانه و طویل المدت و یا با سیاست تبعیضی که در نهایت به استبداد و خودکامگی کشانیده میشود. بطور مثال چال، فریب و اتحاد سیاست زیرکانه که مانع انکشاف زبان، کلتور و سایر داشته های فرهنگی اقوامدیگر گردد. حتی در بعض کشور ها در نامگزاری نواحی، سرک ها و، محلات و مراکز علمی و تاریخی این سیات عملی میشود. متأسفانه حتی مراکز علمی و اکادمیک در تطبیق این پالیسی های ضد حقوق بشری خویش را گنهار ساخته زمینه ساز تطبیق سیاست های تبعیضی میگردند. در حالی که در یک کشور کثیر القومی و با توجه به همه داشته های کلتور و فرهنگ ملی ، در هر یکی از اقوام بخشی از گذشته پر غنای تاریخی ، کلتوری و فرهنگی مربوط میشود که حق تاریخی و تبلور آن در تمام عرصه های رشد کلتور و فرهنگ امروزی قابل تعمق و پاسداری اند.

ما اگر یک دید کوتاه تاریخی به مفهوم و کاربرد اصطلاح جرایم بشری بین المللی بیاندازیم، اصطلاح جرایم بین المللی برای اولین بار توسط مارکوس تولیوس سیسرون ۱۰۶ ق. م شاعرو فیلسوف در زمان امپراطوری روم قدیم بکار برده شد.

بعد از سقوط امپراطوری روم و استحکام قدرت کلیسای کاتولیک رول و نقش پاپ اعظم، اسقف ها و راهبان کلیسا ها تا اندازه در جوامع مذهبی مسلط گردید که نو اندیشی در برابر استبداد کلیسای کاتولیک در حال شکل گیری بود زیرا جرایم شدید در برابر انسان ، از زنده سوختاندن، پوست کرد انسان های زنده و کشتن بدون کدام دلیل توسط ملا های کلیسائی یک امر عادی بود.

قرون پنجم تا قرون شانزده و هفده میلادی سیاه ترین دوره وحشت جنایات بشری در تاریخ اروپا قبل از جنگ های اول و دوم جهانی میباشد که نام قرون اسطائی از آن دوره به یادگار مانده است . دوره وحشت کلیسای کاتولیک در سلب آزادی عقیده، تفتیش عقاید، « به بیان دقیق تر عبارت بود از هیئات های داوری کلیسای کاتولیک که می کوشید از طریق آن ها به یکپارچگی دینی مورد نظر خود نائل شوند . این کار توسط دستگاه کلیسا انجام می شد و بسیاری متهمان در دادگاه های تفتیش عقاید متهم به کفر ، الحاد، ارتداد، شرک و جادوگری می شدند. این افراد ابتدا برای اعتراف گیری شکنجه می شدند. در صورت عدم اعتراف سرنوشت معلومی برای آن ها متصور نبود، اگرچه اکثر مردم تاب شکنجه ها را نداشتند و اعتراف به اعمال کرده و ناکرده خود می کردند. سپس دستگاه تفتیش عقاید آن ها را محکوم به مجازات های گوناگون و در بسیاری از مواقع به صورت های غیر انسانی اعدام می نمودند» ۱. برگرفته از صفحات معلوماتی انترنت.

این عین وحشت گروه های تندرو تنظیمی و طالبان و داعش است که در افغانستان واقع گردیده اند که در بخش بعدی بیشتر بدان تعمق خواهم نمود.

جنایات علیه بشریت شامل جنایات علیه انسان و انسانیت، نقض حقوق بشری و جنایات جنگی است که در کنوانسیون های چهار گانه زنیو ۱۸۶۴ و ۱۹۰۶، ۱۹۲۹ و ۱۹۴۹، بعد از جنگ دوم جهانی تعریف گردیده اند در تاریخ بشری اولین دادگاه های بررسی جنایات جنگی و ضد بشریت در محاکمه نورنبرگ و توکیو که پس از جنگ جهانی دوم برای پیگرد قانونی رهبران متهم به جنایات جدی تشکیل شد که برخی از جنایات تحت قوانین بین المللی جرم شناخته شدند و پایه و اساس آنچه که در حال حاضر از آن به عنوان قانون عدالت بین المللی یاد می کنیم، گذاشته شد.

محاکم اختصاصی جرایم جنگی تریبونال یوگو سلاویا، رواندا، رژیم پول پوت در کموجیا سالهای هشتاد و بررسی جنایات در کشور میانمار در سال ۲۰۲۰ م. نیز صورت گرفته است.

تاریخ افغانستان از چهل سال واندی بدینسو آغاز و تداوم تراژیدی خونبار، وقایع وحشتناک جرایم شدید جنگی و علیه بشریت، اعدامهای بدون کدام پروسه عدلی و قضائی، کشتن و سر بریدن اسیران جنگی، قتل های سیاسی فردی و دسته جمعی، به راکت بستن شهر ها و سایر محلات مسکونی و دهها اشکال جنایات بشری است که بیان آن در وجود انسان های با وجدان انسانی مو در قد راست مینماید و حتی برای مردمان دیگر قابل باور خواهد بود.

قبل از اینکه بر اصل موضوع این بخش متمرکز گردیم، هدف نویسنده به هیچ صورتی روپوشی بر هیچ یک از جنایت و جرایم ضد بشری و جرایم نقض حقوق بشری در کشور نبوده، ضمن اینکه ما حالات را به بررسی و نقد خواهیم گرفت، ولی واقعات شدید ترین جنایات ضد بشریت که در طول این سالها واقع گردیده اند، را نمیتوان تنها به نقد محدود. زیرا به مانند جنایات در جریان جنگ جهانی دوم توسط فاشیست های آلمانی، بررسی ارتکاب این جرایم در افغانستان و ایجاد یک پروسه عدالتمندانه توسط نهاد های بین المللی و متکی بر کنوانسیون های بین المللی نیز ضروری به نظر میرسد. فقط این بررسی عدالتمندانه میتواند التیامی بر زخم های خونین بیش از چهل ساله مردم مظلوم و قربانیان جنایات باشد. بدون شک این یک دین و مسئولیت جامعه بین المللی و دولت افغانستان است تا عاملان اصلی جنایات، حملات و انتشار غیر نظامیان را مورد پیگرد قرار دهد، تا عدالت برقرار و درسی برای آینده گان در این سرزمین وحشت، جنایت، خون و آتش باشد.

هدف از یک بررسی وقرار گرفتن یک پروسه عدالتمندانه در این است که جرایم ضد بشری، جنگی و نقض حقوق بشر نباید تحت سایه جهان دو قطبی و جنگ سرد گذشته بررسی جانبدارانه گردد و عوامل و عقب گاه های جرایم ضد بشری را نادیده گرفت و از آنها چشم پوشید. زیرا هر جهت گنهکار در مقطع های مختلف تراژیدی خونبار افغانستان، خویش را یا بر حق دانسته و یا از دست های الوده بخون خویش انکار نموده اند. انکار از ارتکاب جرایم گذشته عاملان جنایات زیر چتر حمایت دولت در بیست سال اخیر یک مد روز سیاسی مجرمین اصلی گردیده است و اینان در برآمد های سیاسی و ایجاد حرکت های سیاسی یکباره برای جامعه مدنی، حقوق بشری و اسلام میانه یحن پاره نموده و خود را سلامت و دیگران را ملامت دانسته اند و حتی کوچکترین اظهار ندامت، معذرت خواهی و عفو تقصر ننموده اند.

اکنون که دولت افغانستان در سال ۲۰۰۳ سند الحاق با اساسنامه سازمان عدالت بین المللی آی سی سی را امضا نموده و در یکماه اخیر این نهاد عدالت بین المللی مصمم است تا برای اولین بار دفتر خویش را در افغانستان باز و پروسه بررسی و تحقیق جرایم جنگی و ضد بشری را از یک جمع آوری اسناد آغار نماید، بجا و بموقع است تا هیچ یک از جرایم شدید جنگی و ضد بشریت زیر سایه کتمان، چشم پوشی و فراموشی قرار نگیرد. در این بخش مقاله ضروری است تا با تداعی حافظه از تعداد از جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت در افغانستان در بیش از چهل سال اخیر یادمانی صورت گیرد.

در هفته های بعد از هفتم ثور ۱۳۵۷ و سقوط حکومت جمهوری سردار محمد داوود برای اولین با دو قبر بزرگ دسته جمعی در شهر کابل کشف گردید که یکی از آنها در منطقه قلعه زمان خان باز و اجساد دهها انسان یافت گردیدند که با لباس در تن دفن گردیده بودند. به نسبت تضاد ها و مخالفت های درونی در هفته های اول بعد از بر سر قدرت رسیدن حزب دموکراتیک حق افغانستان که در نتیجه حفیظ الله امین با حلقه خون آشام اش بر حزب و دولت چیره گردید، موضوع بررسی دو قبر دسته جمعی زمان محمد داوود زیر سایه دوره اختناق، کشتار بدون محاکمه و زندانی ساختن دهها هزار انسان قرار گرفت.

دوره امین و حلقه خون آشام او بی مثال ترین دوره سیاه یک دیکتاتوری همراه با عقده مندی در برابر آزادیهای مشروع و حقوق بشری و شکل گیری اساسات ابتدائی آزادی های مدنی بود. حلقه فاشیستی حفیظ الله امین تحت نام سوسیالیزم و دیکتاتوری پرولتاریا بیشترین کارگران متعهد و با آرمان وطن را دستگیر و بدون کدام پروسه عدلی و قضائی به قتلگاه ها میفرستاد.

در این دوره جرایم ضد حقوق بشری و کشتار و به زندان انداختن افشار مختلف اجتماعی، سیاسی و مذهبی بدون اسناد و مدارک الزام دستگیر میگرددند. بیشترین تعداد روشنفکران صاحب اندیشه چپ زندانی و اعدام گردیدند. من اشتباه نخواهم کرد که در این دوره سیاه وحشت و ترور امین و امینیان یک فردی هم در کدام محاکمه مورد یک حکم و یا قرار قضائی قرار گرفته شده باشد. علاوه بر تعداد از افراد حلقه وفادار رژیم ترور و اختناق خود سرانه و بدون

کدام صلاحیت قانونی افراد را شبانگاه در تهکاوای های ادارات دولتی تحت شکنجه قرار میدادند. یکی از شکنجه گاه های معلوم تهکاوای فاکولته طب بود که یک حلقه نزدیک به عبدالرحمن امین شبانگاه افراد دستگیر شده را مورد عذاب و شکنجه قرار داده و به کشتارگاه ها میفرستادند. لست طویل از استادان دانشگاه کابل و پوهنزی طب کابل را میتوان ترتیب داد که دستگیر و بعدن بدون کدام محکمه اعدام گردیده اند. تاریخ فراموش نمیکند که حفیظ الله امین بعد از کسب کلی قدرت و قتل نور محمد ترکی لست ۱۲ هزار نفری کشته شده گان را در عقب دیوار های وزارت داخله نصب نمود و خواست تا مسئولیت کشتار ها را به طرفداران مرحوم نور محمد ترکی اندازد. این لست متأسفانه تحت سایه دیدگاه های خاص در سپتامبر سال ۲۰۱۳ از طریق روزنامه هشت صبح به نشر دو باره رسید. این لست متأسفانه کوتاه و با قلم خورده گی های زیاد به نشر سپرده شده بود. در لست اصلی بیشترین نامهای کشته شده گان اعضای حزب دموکراتیک خلق از شاخه پرچم وجود داشتند.

با روی کار آمدن مرحوم ببرک کارمل در جدی ۱۳۵۸ شمسی/ دسامبر ۱۹۷۸ بیش از ۲۶ هزار از زندانیان زمان امین بدون در نظر داشت گذشته سیاسی تحت یک فرمان عفو عمومی رها گردیدند.

بین سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۲ م. تعداد زندانیان سیاسی در زندانهای افغانستان کم نبودند ولی قابل تذکر است که بیشترین زندانیان یا از میدانهای جنگ دستگیر و زندانی میشدند و یا به دلایل فعالیت های تروریستی (قتل های هدفمند) ، انفجار بم ها در محلات غیر نظامی و هدف قرار دادن مناطق مسکونی در شهر ها با راکت و یا افراد که در تنظیم و سازماندهی جرایم تروریستی دست داشتند. اما پروسه عدلی و قضائی با آنکه وجود داشتند و مجرم از دلایل الزام و حکم محکمه آگاهی حاصل مینمود ، ولی این پروسه را نمیتواند بدون نقص و عاری از نقد حقوقی تلقی نمود.

مسأله اتهام به شکنجه ، عدم پروسه عدالتمندانه عدلی و قضائی ، بمباردمان محلات مسکونی در این دوره حکومت وقت را نمیتوان جدا از یک بررسی واقعینانه ، عدالتمندانه و غیر جانبدارانه دانست .

بدون شک سالهای ۱۹۹۲-۱۹۷۸ به نسبت وسعت دامنه جنگ در افغانستان سالهای از یک دوره تراژیدی جرایم شدید علیه بشریت و جنگی باید بحساب آورد .

شعار های ضد کفر ، الحاد ، بی دین، شرک و کمونیست از جانب تنظیم های جهادی و پشتیبانی و دادن چراغ سبز حکومت های یکی پی دیگر پاکستان و غرب بخصوص ایالات متحده آمریکا و انگلستان ، قتل های فردی، سر بریدن و به مرمی بستن صحرائی اسران جنگی ، به راکت بستن مناطق مسکونی و محاکم گروه پهای مذهبی در تفتیش عقاید و باز پرسى از اینکه شخص مسلمان هست یا نه را در میان جنگجویان تنظیم های اسلامی شدید تحریک مینمود تا کافران و ملحدان و کمونیست ها باید کشته شوند و قاتلان لقب غازی و مجاهد را از دفتر رئیس جمهور ایالات متحده امرکا کسب نمایند .

دوران جنگ های ضد دولت افغانستان در سالهای ۱۹۹۲-۱۹۷۸:

ارتکاب جنایات جنگی در میدان های جنگ:

در ۱۲ سال جنگ که بعد از سال ۱۹۸۰ م. بیشتر شدت گرفت ، در تمام کشور فراگیر گردید، تحت رهبری مستقیم دولت ایالات متحده آمریکا، انگلستان، دولت ایران، حکومت های یکی پی دیگری نظامی پاکستان ، عربستان سعودی ، حکومت انور السادات در مصر و دها دولت های اروپائی در دامن زدن آتش جنگ در افغانستان دست های آلوده مستقیم داشتند. تنظیم های جهادی در پاکستان و گروه های هشتگانه تحت رهبری ایران در ایران و پاکستان تشکیل شدند) . کلمه تنظیم یکی از سه شعار ارتش پاکستان است .

اعلام جهاد در برابر کفر و الحاد و روا داشتن کشتن و سر بریدن به اصطلاح کمونیست ها فتوا داده شد و این فتوا و ارتکاب جرایم ضد بشری از جانب مدافعان لیبرالیسم و حقوق بشر چراغ سبز داده شد. مرتکبین جرایم جنگی و علیه بشریت عنوان و لفت مبارزین آزادی و ضد دولت کمونستی را گرفتند. در این دوره هزاران اسیر جنگی سربریده شدند، در چنگک های قصابی زنده پوست شدند و چشمان شان وحشیانه کشیده شده است .

ترور های شخصی:

علاوه بر ترور نظامیان ، در شهر ها به خصوص شهر کابل در طول ۱۲ سال صد ها نفر غیر نظامی، کارمندان عادی دولت، معلمین مکاتب زنان فعال دفاع از حقوق زنان توسط گروه های ، تحت عنوان چریک های شهری ترور گردیده اند. سازمان های جهمی وقت مانند گرو چریک های شهری حزب اسلامی، حلقه تروریستی جمعیت اسلامی ، سازمان چپی ساما و چند ریشه دیگر جدا شده از گروه های چپ ، سازمان نثر در ترور های فردی افراد غیر نظامی و اعضای حزب دموکراتیک نقش بیشتر داشتند. البته تعداد از آنها در حین انجام عمل ترور دستگیر و محاکمه گردیدند.

بم گزاری در محلات مزدحم شهری:

در این دوره بم گزاریها در ادارات دولتی، مراکز دانشگاهی، سینما ها ، بس های شهری روز افزون میگردد. بم گزاری در سینمای پامیر توسط افراد جمعیت اسلامی ، انفجار بم در فاکولته انجنیری دانشگاه کابل و انجار ماین در نزدیک فاکولته حقوق توسط افراد جمعیت اسلامی. بم گزاری در سرویس برقی لین سیلو -کوته سنگی ، انجار بم

در میدان هوایی کابل و چندین واقعه دیگر تروریستی در محلات که فقط از مردمان ملکی و غیر وابسته با دستگاه دولت قربانی می‌گرفت.

حمله راکتی بر شهر ها:

با کمک های نظامی وسیع از جانب دولت های ریگن و بوش و خانم مارگریت تاچر تنظیم های جهادی ، استفاده از راکت های دوربرد برای مورد اصابت قرار دادن محلات مسکونی و غیر نظامی فاجعه های روزانه به وجود می آوردند که مردمان ملکی قربانی آنها میگردیدند . با حملات راکتی بر کابل از راکت های موزانیل آغار و با راکت های پیشرفته سکر بیست، سی و چهل هر روز به افریدن تراژیدی خونبار افزوده میشد. در حملات راکتی بر شهر کابل (ساحه مزدحم فروشگاه یا پل باغ عمومی، ساحه کوته سنگی و خوشحال مینه، مکروریان ها و دها مناطق دیگر (حزب اسلامی حکمتیار از سمت کوه های صافی شرق کابل، قوماندان انوری از تنظیم شیخ آصف محسنی از غرب کابل ، انور دنگر از تنظیم جمعیت اسلامی از سمت شکردره و دو قوماندانان تنظیم آقای سیاف در منطقه پغمان بزرگترین رول را در قربانی ساختن مردم عامه شهر کابل داشتند و مسئول این قربانیها اند . کشتار های گروهی بدون کدام پروسه عدلی و قضائی:

در ارتکاب این جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی نمیتوان زنده سوختاندن محافظان بند برق در هرات ، تحت هدایت مستقیم تورن اسماعیل خان را به فراموشی گذاشت .

قتل دسته جمعی بیش از هفتاد اسیر که همه کارگران فابریکات بودند، در پنجشیر و قتل گروهی اسیران در چاه آهو توسط افراد تنظیم جمعیت اسلامی تراژیدی های اند که باید آنها را ثبت شدید ترین جنایات جنگی و ضد بشری در افغانستان نمود .

نباید فراموش نمود که صد ها تن از مردمان که قصد ترک کردن شهر کابل را داشتند ، فقط به دلیلی اینکه دعای قنوت را درست خوانده نمیتوانستند، زبان شان بریده و حتی بنام کمونیست و ملحد کابلی کشته شده اند .

نویسنده به مانند هزاران دیگر تاریخ زنده و بازگو کننده و شاهد واقعات و تراژیدی ها بوده اند.

جنایات علیه بشریت در افغانستان ، در چنبره موانع تحقیق و بررسی و تطبیق عدالت حقوقی

قسمت سوم

دوران جنگ های تنظیم ها و فعالیت های تروریستی بعضی از هسته های نظامی - تروریستی گروه های چپ گرای پیرو خط آتشین مانویرم برای عملیات تروریستی و قتل های هدفمند در برابر دولت تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، دوره سیاه از هدف قرار دادن اعضای حزب ، کارمندان غیر سیاسی دولت، معلمان مکاتب ، ملا امامان مساجد که با خط تنظیمی و جنایات ضد بشری موفق نبودند، بیداد میکرد . حزب اسلامی آقای حکمتیار مسئول زهر آگین ساختن مخزن های آب نوشیدنی دها مکاتب دختران بود که حتی به مرگ دختران جوان منجر میگردید . تنظیم های جهادی در مجموع و بدون کدام استثناً شهروندان دو میلیونی وقت شهر کابل را کافران و ملحدان و یا کارکنان و همکاران دولت، به اصطلاح خود شان، کمونیستی قلمداد میکردند و آنها را مباح الدم و واجب القتل تلقی میکردند .

ولی با سقوط دولت دوکتور نجیب الله شهید، ارتکاب جنایات سیر خود را در سه جهت دیگر تغیر داد، یکی جنایات بشری و جنگی در کشتار اهالی در جنگ های بین تنظیم ها و مناطق تحت حمله شان ، دوم کشتار های وحشیانه در شهر کابل که در آن تنظیم حزب اسلامی حکمتیار با راکت های ی-ام ۱۴ و بی-ام ۴۰ از ساحه قلعه فتوح ، چهلستون و ریشخور، دست بالا داشت . سوم کشتن وحشیانه بین تنظیم سیاف و حزب وحدت در مناطق غرب ، ساحه جمال مینه ، دهبوری و کارته سه که یکی هزاره ها را زنده سلاخی میکرد و دیگری پشتوزبان ها را . این جنایات در تاریخ ارتکاب جنایات شدید ترین و باید مرتکبین آنها قابل تعقیب عدلی و قضائی باشند.

با آمدن طالبان دامنه ارتکاب جنایات جنگی دامنه وسیعتر را بخود گرفت، یعنی از سطح کشتار افراد در سطح کشتار های جمعی . موجودیت ویدیو های و اسناد کافی ارتکاب جنایات طالبان در ولایت بلخ و مناطق شمال کابل مدارک الزام غیر قابل انکار از کشتار های بدون استثنا مردان و زنان تحت نام شمالی وار و هزاره ها ، با نفرت و عقده مندی قومی نیز صورت می گرفت که متکی برنورم های حقوق جزای بین المللی بحیث جرایم شدید جنگی، جرایم ضد انسان و انسانیت قابل بررسی اند .

طالبان علی الرغم ارتکاب جرایم جنگی ، بزرگترین و عقده مند ترین گروه ضد تمدن و نقض کننده تمام اساسات اولی و اساسی حقوق بشری شناخته شده اند . این گروه متحجر و فاقد کلتور و فرهنگ تمام حقوق انسانی و مدنی (شهروندی) مردم را، بخصوص در میان مردمان شهری سلب نمود . این دوره سیاه ترین و شرمگین ترین دوره در تاریخ یکصد سال اخیر در افغانستان میباشد که با تکرار روزانه تراژیدی ها با یک چشم میتوان خندید و با چشم دیگر اشک ماتم و تسلط تظلم ریخت .

در دوره طالبان علاوه بر اینکه کشور در عمیقترین شرایط فقر و زنج بیکاری و بی روزگاری قرار داشت، هیچ کسی در هیچ جای مصئون نبود، بجز از دوشک نشینان ارگ و طرفداران طالبان که از همه آزادی برای لت و کوب مردم ، بخصوص زنان در انظار عامه برخوردار بودند ، حتی بمانند فاشیستان عقده بدل امین و امینی ها یک

محصل می‌توانست استاد فاکولته را به سلی زند. طالبان در پهلوی سلب همه آزادی‌های مشروع و انسانی، متبازرترین حقوق را که «حق مصئونیت خانواده» در کنوانسیون بین‌المللی حقوق بشر مسجل است، در هر لحظه و با پرروئی و بی‌شرمی زیر پا می‌نمودند. در همه قوانین کشورها موضوع مصئونیت خانواده بحیث اصل زرین مورد پذیرش قرار گرفته و از هر گونه تعرض مصئون است و در مورد تضمین‌های حقوقی و قانونی داده شده است. ولی طالبان در زمان دیکتاتوری فاشیستی خویش تحت نام پالیدن ویدیو و تلویزیون نیمه شب‌ها بر خانه‌ها یورش می‌بردند و بدون توجه به ناموس و ناموسداری خانواده (غیرت خاص طالبی!!!) وارد منازل می‌گردیدند و اعضای خانواده‌ها را در پیش چشم اطفال مورد اهانت و لت و کوب قرار می‌دادند. حقوق و آزادی‌های مدنی، حق آزادی بیان و صد‌های دیگر را تحت نام تطبیق «شریعت غرای محمدی» زیر پا نمودند.

دوره طالبان سیاه‌ترین دوره اهانت انسانها در محلات عامه مانند کوچه، سرک و بازار، دوره جهالت قرن، دوره محدودیت برای رشد علوم، رشد فرهنگ، مخاصمت با فرهنگ زرین و ارزش‌های تاریخی ملت، زبان و اقتصاد و وابستگی کثیرالجوانب به استخبارات پاکستان بوده است. این دوره را، همراه با دروره حاکمیت تنظیم‌های جهادی، بحق «دوره سقوط یک‌صدساله افغانستان به عقب» میتوان نام گذاشت و سیاه‌ترین صفحات تاریخ افغانستان قلمداد نمود.

جنایات علیه انسان و انسانیت در دوره‌های جنگ‌های تنظیمی و طالبان بدون شک برای نسل‌های آینده، باید شرم‌انگیزترین و ننگین دوره‌های ارتکاب جرایم جنگی و بشری افغان توسط افغان، ولی با مدیریت و تشویق استخبارات ایالات متحده آمریکا، انگلیس، پاکستان، عربستان سعودی تلقی گردد که باید این دوره‌های سیاه یک اساس تجربی برای درس‌های تاریخی، انگیزه برای ایجاد اندیشه نو، نفرت از تَبیض‌های قومی، زبانی و مذهبی و احیای بینش ملی مبتنی بر اندیشه ملی، ارزش‌های ملی، منافع ملی و بلاخره احترام به انسان و تمکین به حق انسانی هر شهروند باشد.

تاریخ بیست سال اخیر هم نشان داده است که طالبان همان متحجرانی بودند و هستند که به هیچ ارزش‌های بشری و حق انسان و ارزش‌های انسانی و حقوق بین‌المللی پیرامون حقوق بشری خود را پایند نمی‌دانند.

شریعت اسلامی یک روپوش برای یک سیستم اختناق، تطبیق سیستم قرون اوسطائی، سربریدن و کشتار اهالی ملکی، فقط برای ایجاد وهم و ترس، بم‌گزاریها و جنایات دیگر جنگی آنها می‌باشد.

طالبان در بیست سال اخیر مرتکب جنایات بزرگ جنگی و ضد انسان و انسانیت شده‌اند که نباید زیر سایه سیاست‌های آلوده و پر از چال و کثافت از قید لست جنایات جنگی و بررسی آنها در یک پروسه عدلی و قضائی بین‌المللی بیرون کشیده شوند. این جنایات را میتوان در چند کتگوری تقسیم نمود که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنیو پیرامون حقوق جنگ و بررسی جرایم جنگی پیشبینی گردیده‌اند:

۱- بم‌گزاریها و حملات انتحاری بر مناطق و محلات که بحیث ساحات جنگی شناخته نمی‌شوند. در بیست سال اخیر ده‌ها جنایات ناشی از انفجارات و انتحارها به وقوع پیوسته‌اند که بیشترین تلفات به مردمان ملکی و بی‌دفاع وارد آمده است.

۲- قتل‌های هدفمند گروهی بر بنیاد نفرت‌های قومی و مذهبی

۳- سربریدن و تیرباران کردن اسیران جنگی، در حالاتی بر بنیاد نفرت‌های قومی و مذهبی

۴- کشتار بی‌رحمانه گروهی زنان مردان در راه‌های مواصلاتی بر بنیاد تعلقیات‌های انتیکی

۵- ترورهای فردی افرادی که کارمندان عادی و غیرسیاسی دولت، نخبگان غیر وابسته، ژورنالیست‌ها، استادان دانشگاه.

۶- وادار ساختن خانواده‌ها به ازدواج‌های اجباری دختران‌شان به افراد طالبان.

۷- کشتار اهالی ملکی در نتیجه انفجارات ماین‌های کنار جاده‌ها و مورد اصابت قرار دادن شهرها باراکت و هواون و وارد آوردن عمدی تلفات بر مردمان ملکی.

ادامه دارد.